

ازدواج: مراحل و ویژگی های آن*

نویسندگان: دکتر سید اسماعیل مهدوی^۱، فرشاد بهاری^۱ - عباسعلی پیکرستان^۲

خلاصه:

ازدواج یکی از مهمترین رویدادهایی است که تقریباً تمام ابعاد زندگی انسان را برای حدود نیم قرن تحت تاثیر قرار می دهد. مقاله حاضر به بحث راجع به ازدواج در دو بخش می پردازد. بخش اول به مراحل ازدواج و ویژگی های آن اختصاص دارد. در این بخش، مراحل ازدواج در سه دوره: قبل از انتخاب همسر، در آستانه انتخاب همسر، و پس از انتخاب همسر به بحث گذاشته می شود و در هر مرحله به ویژگی ها و برخی از آسیب های احتمالی آن اشاره می شود. بخش دوم مقاله به سبک های ازدواج که عمدتاً با مایه های عاطفی است و سبک های ازدواج بر اساس ساخت خانوادگی و سرانجام با توصیه هایی راجع به یک ازدواج سالم به پایان می رسد. **کلید واژه: ازدواج، مراحل ازدواج، ساخت خانواده، سبک ازدواج**

مقدمه:

چهار پدیده مهم زندگی انسانها عبارت اند از: تولد، تحصیل، اشتغال و ازدواج. سه پدیده مهم تحصیل در دانشگاه، اشتغال و ازدواج که مقارن با دوره جوانی هستند یکی پس از دیگری یا به موازات هم فرد را در مقام مهم تصمیم گیری قرار می دهند. این سه تصمیم برای دانشجو شایان اهمیت است. موضوع مقاله حاضر که به بررسی فرایند ازدواج و ویژگی های آن می پردازد از آن جهت انتخاب شده است که تحقیقات متعدد حاکی از اهمیت آن در دوران دانشجویی است. در این باره فرهادی (۱۳۷۶) در پژوهش خود چنین نتیجه می گیرد که متاهل بودن می تواند فاکتور مهمی در پیشگیری از ابتلا دانشجو به اختلال افسردگی باشد (۱). نتایج یک تحقیق حاکی است که در مجموع ۶۱٪ دانشجویان دختر و ۲۲٪ دانشجویان پسر نظرشان در مورد ازدواج در زمان دانشجویی موافق است (۲). و بالاخره نوابی نژاد (۱۳۷۶) در این باره می نویسد «اگر ازدواج را به عنوان نخستین تعهد قانونی و عاطفی در زندگی بزرگسال بدانیم، انتخاب همسر خود یک معیار رشد و پختگی فرد در زندگی به شمار می آید... بنابراین چنانچه دختر و پسر قبل از ازدواج آگاهی های لازم را درباره خود و همسری که برمی گزینند، داشته باشند بسیاری از مشکلات زن و شوهرها قابل پیش بینی و در نتیجه قابل پیشگیری است (۳).

اما به رغم تحقیقات متعدد درباره عوامل بازدارنده و تسهیل کننده ازدواج، کمتر تحقیقی یا مطالعه ای یافت می شود که فرایند ازدواج و شناخت ویژگی های آن را بررسی کرده باشد. ازینرو، این مقاله درصدد است دانشجو را با فرایند ازدواج یعنی مراحل همسریابی، همسرگزینی و همسرمداری آشنا سازد.

* ارائه شده در سمینار دو روزه دانشجو: ازدواج و بهداشت روانی «دانشگاه علوم پزشکی کردستان» ۱۳۷۹.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و ماساجوست امریکا

۲- دانشجوی دکتری مشاوره، کارشناس دفتر مرکزی مشاوره دانشجویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۳- کارشناس ارشد مشاوره

ازدواج رابطه ای است که شخص با «انتخاب» وارد آن می شود و تقریباً نیم قرن در این «رابطه» خواهد ماند. زن و مردی که با هم ازدواج می کنند باید بتوانند خود را با نیم قرن تحولات اجتماعی، و رشد و تغییرات متقابل یکدیگر تطبیق دهند. اگر از عهده این کار برنایند، به احتمال زیاد رابطه زناشویی آنها دچار مشکل خواهد شد (۴). این «رابطه» ماهیتاً فرآیندی است، به عبارتی، دارای مراحل است که بلحاظ نظری این مراحل را می توان در سه دوره بازشناسی نمود:

- ۱) دوره اول - قبل از انتخاب یا تصمیم گیری
- ۲) دوره دوم - در آستانه ازدواج یا تصمیم گیری
- ۳) دوره سوم - بعد از انتخاب یا تصمیم گیری که بشرح زیر می باشند.

دوره اول: دوره قبل از انتخاب یا تصمیم گیری، از آنجایی که این دوره شالوده زندگی مشترک دختر و پسر را در آینده پایه ریزی می کند، لذا دوره ای بسیار حساس و درخور دقت و توجه می باشد، این دوره به مرحله پیش از خواستگاری موسوم است.

الف) مرحله اول: پیش از خواستگاری

در این مرحله دختر یا پسر با وضعیت عاطفی - روانی خاصی روبرو است. به همین دلیل معمولاً «رابطه» به گونه ای آشکار نمایان نیست. دختر یا پسر مالا از نظر روحی - روانی و سایر جنبه ها آمادگی لازم برای شروع زندگی زناشویی را ندارد. لذا در تصمیم برای «انتخاب» نهایی مرد است و در وی سرگردانی و دودلی و بعضاً «تعویض در انتخاب ها» دیده می شود. با این وجود، تمایلی مبهم و پنهان با درون مایه زیستی وی را به سمت جنس مخالف سوق می دهد که مقدمتاً ماهیتی «جنسی» دارد اما بتدریج رو به تکامل گذاشته و حیطة های دیگری را تحت پوشش قرار می دهد. دختر و پسر در مرادده های خویش فعالانه به ارزیابی یکدیگر می پردازند و در صدد کسب اطمینان از وجود معیارها و ملاک هایی هستند که برای همسر آتی خود مد نظر دارند.

ماهیت «رابطه» در این مرحله، شکننده و آسیب پذیر است زیرا هر یک از طرفین از «خود واقعی» اش فاصله گرفته و می کوشد آنگونه عمل کند که دیگری می خواهد. در چنین وضعی، هر یک از طرفین ممکن است چنین بپندارند که برای وصال یار می باید از بسیاری از خواسته ها و عقاید خویش صرف نظر کند و به عبارتی خود را در شخصیت طرف مقابل «ذوب» نماید، وضعیتی که منجر به از دست دادن «استقلال رأی» و سرانجام وابستگی به طرف مقابل می گردد. بین «من واقعی» و «من اجتماعی (آرمانی)» فاصله می افتد و «من اجتماعی» (آرمانی) در روابط جایگزین «من واقعی» می گردد. رفتارها و اعمال شخص با دقت خاصی به صورت «گزینشی و با رنگ مایه ای مثبت» به نمایش گذارده می شوند. این مرحله از آن جهت که دسترسی به خواسته های فردی را تسهیل می کند تجربه خوشایندی به شمار می آید. در این مرحله بطور کلی می توان شاهد نوعی «بی تصمیمی» در طرفین بود.

دوره دوم: در آستانه انتخاب یا تصمیم گیری

این دوره شامل یک مرحله می باشد که شرح آن در سطور زیر می آید.

۱ - مرحله اول - دوره نامزدی

تعدد مرادده های بین دختر و پسر در دوره اول چنانچه با ظرافت و دقت نظر همراه باشد سرانجام زمینه را برای تصمیم گیری جهت ورود به مرحله بعدی، فراهم می کند. در اواخر این دوره دختر و پسر با شناخت نسبی که از ویژگی ها

و خصوصیات رفتاری یکدیگر پیدا می کنند به «تصمیم گیری» نزدیک می شوند. این تصمیم می تواند یا در جهت تعمیق و تداوم رابطه و یا قطع رابطه فی مابین باشد. در این برهه چنانچه دختر و پسر براساس شناخت نسبی متقابلی که از یکدیگر بدست می آورند تصمیم به ادامه «رابطه» بگیرند، آنگاه با پیشنهاد ازدواج وارد مرحله جدیدی می شوند. معمولاً خانواده های اصلی در این مرحله در جریان گذاشته می شوند و تمهیدات اولیه برای «خواستگاری» رسمی فراهم می گردد. رایزنی های اولیه توسط خانواده های اصلی دختر و پسر به عمل آمده و احتمال ازدواج فرزندان با توافق درباره یک دوره نامزدی بیشتر قوت می گیرد. در این مرحله معمولاً خانواده های اصلی براساس توافق دوجانبه و با تعیین شرایط ازدواج، رسماً عضوی از خانواده خود را به اشتراک گذاشته و «روابط» خانوادگی جدیدی، بین خانواده های دختر و پسر شکل می گیرد. این مرحله که معمولاً اولین حلقه اتصال و انتقال به «دوره بعد از انتخاب یا تصمیم گیری» است با مراسم «نشان یا دوره نامزدی» دختر و پسر مشخص می شود و با خواندن «صیغه محرمیت» شکل کامل خود را پیدا می کند. در فرهنگ مردم ما به دلیل تنوع نگرشها و باورهای خانواده ها، معمولاً صیغه محرمیت به صورت موقت یا دائمی بین دختر و پسر خوانده می شود. این مرحله که موسوم به دوره «ماه غسل» نیز است به زعم عده ای نخستین سال ازدواج را پوشش می دهد و به زعم برخی دیگر تا زمان تولد اولین فرزند ادامه دارد. معمولاً اسطوره غالب در اندیشه زوج جوان نسبت به یکدیگر این است که «تو کامل و بی عیب و نقص هستی». در این مرحله آنان بوی زندگی را حس می کنند و وجودشان سرشار از شور و شوق است و هر دو به سمت نیرویی کشانده می شوند که خارج از کنترل و استدلال است یعنی به سوی «راز مقدس» و رابطه بین آنها بصورت رقص پرشور، خودجوش و حلاوت بخشی آغاز می گردد.

در دوره نامزدی که همچنین به مرحله «عشق رمانتیک» نیز موسوم می باشد، زوج تازه ازدواج کرده چنان احساس خوبی دارند که می خواهند این دوره تا ابد ادامه یابد. در واقع، زوج جوان انتظار دارند که این دوره جاودانه بماند. در چنین دوره ای هر چیزی در نگاه اول بی عیب و نقص و کامل است. وقتی زوج به مسائلی بر می خورند که دوست ندارند ممکن است یا آن را انکار کنند یا تا حد ممکن بی ارزش جلوه بدهند. همچنین آنان تمایل دارند خود را فراتر از آنچه انتظار می رود یا لازم می باشد؟ نشان دهند. زوج ها احساس نیرو و زنده بودن می کنند و سرشار از رویاهای تازه ای می شوند. علاوه بر این چنان شادی و نشاطی را در خود تجربه می کنند که هر مشکلی را آسان می بینند. وجود آنان سرشار از عشق است و هر یک می داند که این همان شخصی است که آرزویش را داشته است.

هر یک از آنان به شیوه ای خلاق، عشق خود را به دیگری ابراز می کنند و وقتی از یکدیگر دور هستند، به همدیگر می اندیشند. در این دوره همه چیز خوب پیش می رود و دنیا بر وفق مراد است.

تحقیقات نشان داده که افراد نه تنها چنین عشق شدید و عمیقی را در سطح هیجانی تجربه می کنند بلکه فرآیندهای فیزیولوژیک واقعی نیز رخ می دهند که بر احساسات آنان موثر است. وقتی آنان عاشق هم می شوند پیتیدی بنام فنوتیلامین (PEA) در بدن تولید می شود. PEA باعث افزایش انرژی، دست دادن احساس خوب، نگرش مثبت و کاهش درد می شود. این ماده باعث می شود که فرد تا پاسی از شب بیدار بماند و روز بعد چنان شاداب سرکار برود گویی که تمام شب را خوابیده است. ممکن است فرد چنان مجذوب شریک زندگی اش شود که حتی غذا خوردن را فراموش کند و اصلاً توجهی هم به آن نداشته باشد و افزایش «PEA» در بدن، اضطراب را به احساس آرامش، رخوت و افسردگی را به شادابی و انرژی بیشتر تبدیل می کند و حالت خوشایندی را در فرد بوجود می آورد تا دنیا را با دیدی مثبت بنگرد.

در چنین حالتی فرد اعتماد پیدا می کند که این شریک زندگی اوست که چنین وضعیت مناسبی را در وی ایجاد کرده است و تا حدودی نیز این نگرش درست است. این مرحله معمولاً دلیل خوبی است که دختر و پسر تصمیم می گیرند تا در اولین فریاد با هم ازدواج کنند.

ویژگی بارز این دوره آن است که چون هنوز دختر و پسر از لحاظ قانونی و شرعاً زن و شوهر محسوب نمی شوند، لذا امکان جدایی و گسستن از یکدیگر بالقوه وجود دارد. زیرا آنچه به عنوان نشان یا حتی نامزدی مرسوم است صرفاً یک سنت عرفی و اخلاقی است و فاقد وجاهت قانونی است. شاید به همین دلیل است که بسیاری از خانواده های اصلی در صدد برمی آیند «دوره نامزدی» دختر و پسر پس از انعقاد عقد دائم صورت پذیرد. دختر و پسر با انجام مراسم مذهبی - قانونی رسماً به عنوان زن و شوهر اعلام موجودیت می کنند و خانواده های اصلی آنان ورود شریک زندگی فرزندشان را با برگزاری مراسم عروسی پذیرا می شوند.

شکی نیست که این دوره برای دختر و پسر دوره «خودشناسی» و بازنگری در رفتارها و عقایدی است که میراث تربیت و جو خانوادگی می باشد و اصلاح برخی از آنها برای استقرار و استحکام پایه های یک زندگی جدید بسیار حائز اهمیت است. بنابراین دوره نامزدی تنها بعنوان دوره انتظار قبل از ازدواج و بمنظور کامل شدن تشریفات عروسی نباید تلقی شود بلکه باید آنرا به عنوان دوره ای فعال دانست که جهت شناسایی واقعیات و مسئولیت های زندگی در نظر گرفته شده و فرصتی جهت آشنایی بیشتر با همسر و والدین او به حساب آورد. ناگفته پیداست که این روش می تواند بصورت در پیچه اطمینان عمل کند و از جنبه های پشیمانی بعد از ازدواج که در بعضی موارد ممکن است پیش آید، پیشگیری نماید. بدین ترتیب قبل از انجام مراسم رسمی ازدواج بمنظور محرم شدن و جلوگیری از ارتباط غیر شرعی عقد ازدواج بصورت غیر رسمی منعقد می گردد (۵).

دوره سوم: بعد از انتخاب یا تصمیم گیری

با سپری شدن دوره نامزدی، زوج تازه ازدواج کرده وارد برهه جدیدی از زندگی می شوند که شامل چهار مرحله می باشد. این مراحل به ترتیب تقدم زمانی عبارتند از: الف - مرحله جنگ قدرت، ب - مرحله دانش و آگاهی، ج - مرحله دگرگونی، د - مرحله عشق واقعی.

مرحله I - جنگ قدرت: نقطه آغازین این مرحله را که بنامهای عیب جویی، سرزنش کردن و دعوت به رشد نیز خوانده می شود می توان موقعی دانست که زن و شوهر تازه ازدواج کرده در عمل با خاتمه یافتن دوره نامزدی و یا تولد اولین فرزند وارد مرحله دیگری از مراحل تحول خانوادگی می شوند که صاحب نظران، این دوره را «دوره جنگ قدرت» نامیده اند. در این مرحله زن و شوهر در معرض آسیب های جدی فراوانی می باشند، اسطوره های بارز این مرحله عبارتند از: «تو معیوب هستی» یا «تو آن کار را برای من انجام بده» زن و شوهر احساس سرخوردگی و حرمان می کنند، اختلافات و کشمکش بین آنان بالا می گیرد و بتدریج نسبت به ازدواج احساس دوسویه ای پیدا می کنند این احساس معمولاً بصورت احساس «به دام افتادن» یا «به کناری رانده شدن» دست می دهد.

برخی از زوجهای جوان با پیشه گرفتن صبر و بردباری و تلاش برای دور کردن یاس و ناامیدی از این مرحله با موفقیت عبور می کنند و عده ای نیز از زندگی زناشویی یکدیگر خارج می شوند.

در این مرحله زن و شوهرها در معرض آسیب های جدی و خطرناکی قرار می گیرند. اسطوره های بارز این مرحله عبارتند از «تو عقل کل هستی» و یا «تو آن کار را برای من انجام بده».

یکی از بزرگترین خطاهای زن و شوهر تازه ازدواج کرده آن است که چون شریک زندگی مناسبی نصیب شان شده گمان می کنند «عشق رمانتیک» بی هیچ تلاشی تا ابد ادامه خواهد یافت. چنین خطایی، یکی از دلایلی است که موجب افزایش فزاینده میزان طلاق می باشد. وقتی زن و شوهر بر این خطا اصرار می ورزند، به این باور می رسند که انتخاب چنین همسری اشتباه بوده است.

از طرف دیگر، یکی از دلایل کم رنگ شدن احساسات آن است که ترشح «PEA» رو به کاهش می گذارد و چون زن و شوهر طرف مقابل را منشاء احساسات خوب خود می داند آن گاه دیگری را سرزنش می کند که دیگر احساس خوبی ندارد و واقف نیست که علت ایجاد چنین وضعی، تا اندازه ای ماهیت زیستی دارد. کسانی که در صدد تغییر روابط خویش می باشند در واقع در تلاش برای دست یافتن به احساسهایی که ناشی از ترشح «PEA» است باز می مانند.

در این مرحله، ممکن است زن یا شوهر، آرام آرام احساس دلشوره و ناامیدی کند. آنچه زمانی در شریک زندگی دوست داشتی می نمود اینک منشاء ناکامی و احساسات جریحه دار می باشد. هر یک دیگری را مقصر و مسبب چنین وضعی می داند و ممکن است پرسد، «چرا او اینطور شده است؟» و سرانجام ترسی ناگفتنی آرام آرام تمام ذهنش را فرا می گیرد که مبادا در انتخاب شریک زندگی اش به خطا رفته است.

در این دوره، طی کردن فرایند سوگ، شبیه به کسی که دل داده اش را از دست داده است، شایع می باشد. برخی از خیالات خام رو به فنا می گذارند و زن و شوهر هر دو از انتظارات برآورده نشده خود و شریک زندگی اش ناراحت می شوند. گاه، چنان احساس می شود که «عشق» مدفون شده است. یکی یا هر دو ممکن است بکوشد چنین وانمود کند که ناامیدی، ناکامی و زخم های عاطفی واقعیت ندارند یا می کوشد که نشان دهد ابدأ منقلب و ناراحت نیست.

انکار چنین وضعی راه را برای چانه زدن باز می کند. «اگر تو فقط...، آنوقت من...» خشم و نفرت بروز می کند و گاه احساس می کنند که روی پوسته های تخم مرغ قدم برمی دارند.

اغلب درباره موضوع هایی مثل اعمال کنترل، پاکیزگی و نظافت، انجام وظایف، صمیمیت و نزدیکی یا فاصله، احساس بی ارزشی یا تنهایی و غیره، اختلاف نظر وجود دارد. بجای همکاری و توافق، پیروز شدن و حق بجانب بودن اهمیت بیشتری می یابد و به جای آنکه شریک زندگی یکدیگر باشند مخالف و ضد یکدیگر می شوند. یک یا هر دو نفر مکرراً زبان به انتقاد و ملامت دیگری می گشایند. از ابزار عشق، احترام، و قدردانی کاسته می شود و ممکن است عشق به فراموشی سپرده شود.

در این مرحله وقتی زن و شوهر احساس کنند هر کاری که از دستشان برمی آمده، انجام داده اند و هنوز مشکل به قوت خود باقی است ممکن است زمان جدایی فرا رسد، به نظر می رسد که تنها راه حل این است که بطور موقت یا دائمی به زندگی مشترک خویش خاتمه دهند. لذا تنها راه باقی مانده را در جدایی یا طلاق می جویند.

در این مرحله بسیاری از زن و شوهرها ناامید و درمانده می شوند. غالباً دوستان، آشنایان و خانواده، آنان را تشویق می کنند که به این وضع خاتمه دهند. اغلب زوجها از این مرحله جلوتر نمی روند (۵۲٪ زوجها در امریکا و ۲۰٪ تا ۳۰٪ زوجها در ایران در این مرحله اقدام به طلاق می کنند).

برخی زوجها به خود می قبولانند ازدواج همین است و سعی می کنند با آن مدارا و از عهده مشکلات برآیند. برخی بخاطر بچه ها به زندگی مشترک ادامه می دهند. اما وضعیت آنان همانند کشتی است که شب هنگام در حال حرکت است. آنان در زیر یک سقف. زندگی «سردی» را ادامه می دهند. چنانچه زن و شوهر از مرحله موسوم به «جنگ قدرت» یا «دعوت به رشد» با موفقیت عبور کنند، آنگاه وارد فصل تازه ای از «روابط» خواهند شد.

مرحله II. دانش، آگاهی و دگرگونی. در این مرحله زن و شوهر نه تنها پی می برند که حیطة هابی وجود دارد که می توانند در بهبود روابط شان از آنها بهره ببرند، بلکه آگاهانه تعهد می کنند که آنها به رابطه ای که برای هر دو رضایت بخش است تبدیل کنند.

وقتی یکی یا هر دوی آنان احساس کنند که اضطراب، سردرگمی و ترس در وی ادامه دارد و ممکن است در برابر ایجاد برخی تغییرات مقاومت بخرج دهد آنگاه دیگری این قدرت را دارد که رابطه را استحکام بخشیده آنرا تغییر دهد. این مرحله ای است که آنان به عنوان شریک زندگی مسئول شادی های یکدیگرند. در این مرحله آنان اطلاعات و بینش جدیدی درباره خود، شریک زندگی و ماهیت ازدواج یا رابطه بدست می آورند. آنان براساس آموخته های جدید، ابزارها و مهارتهای جدیدی را بکار می گیرند و یکدیگر را یاری می دهند تا این رابطه را به پیش ببرند و با تطبیق واقع بینانه انتظارات خویش از «رابطه» می کوشند دلایل ازدواج خود را دوباره کشف کنند.

مرحله III. دگرگونی. در این مرحله زن و شوهر متعهد می شوند بجای آنکه رفتارهای واکنشی به یکدیگر نشان دهند، در رابطه شان جدی تر و مسئولانه تر عمل کنند. مهارتهایی که درباره ارتباط آموخته اند به اجرا بگذارند. رفتارهای جدیدی را به نمایش بگذارند، امنیت عاطفی برقرار کنند و غیره. آنان در تامین سلامت و رشد رابطه به صورت شریک زندگی یکدیگر عمل می کنند.

مرحله V. عشق واقعی. ویژگی این مرحله، احترام و قدردانی عمیق از یکدیگر به عنوان افرادی بی نظیر و مستقل می باشد. زن و شوهر دیگر وسواس آنها ندارند که سعی کنند شریک زندگی را مطابق با تصویر ذهنی خود بازآفرینی کنند. این مرحله توأم با شوخی، محبت، صمیمیت، شادی و داشتن اوقات خویش با هم می باشد. در این مرحله، رابطه و مشارکت واقعی، عشق نامشروط و امنیت، بر زندگی حاکم است، زن و شوهر شریک زندگی خویش را بهترین دوست و همدم خود می داند. سرانجام این مرحله با حرکت به سوی رابطه ای متعهدانه و معنوی توأم است یعنی: سفری به سوی کمال و عشقی که در آن زن و شوهر طعم عشق حقیقی را می چشند (لیپروت ۱۹۹۸) (۶).

نمودار رضایت زناشویی طی ازدواج

سالهای پایانی ازدواج - رأفت و مهربانی

سالهای میانی ازدواج
سردرگمی



سالهای اولیه ازدواج - رضایت

همانگونه که نمودار فوق نشان می دهد، میزان رضایت زوجین از «رابطه» در سالهای اولیه زندگی (دوران نامزدی) زیاد است. با تولد فرزندان و رشد آنان در خانواده که مقارن با سالهای میانی ازدواج می باشد، زن و شوهرها احساس سردرگمی می کنند (جنگ قدرت) و سرانجام در سالهای پایانی ازدواج با نگاهی نو دوباره به سوی یکدیگر حرکت می کنند که نشان های بارز آن انس و الفت و مهربانی بین آنان است.

جدول ۱. مراحل پنجگانه ازدواج

مرحله I عشق رمانتیک	مرحله II عیب جوئی	مرحله III سرزنش کردن	مرحله IV پذیرش	مرحله V دگرگونی
تو کامل هستی	تو کامل نیستی	تو آن را برای من انجام بده	تو فقط آن کار را بکن	ما با هم رشد می کنیم

به نقل از لیندا کویرمیلز (۱۹۹۷)

سبک های ازدواج :

سبک های ازدواج به رویه درک طرفین ازدواج به یکدیگر اطلاق می شود. در دهه های اخیر پژوهشهای زیادی درباره سبک ها و گونه های ازدواج و شیوه های ارتباط زن و شوهرها به عمل آمده است. برای نمونه کوپر و هاروفس مطالعه ای را درباره شیوه های ارتباط ۴۰۰ زوج که حداقل ۱۰ سال از ازدواج شان گذشته بوده، به عمل آوردند (۷). یافته های حاصله از این مطالعه بیانگر پنج سبک یا پنج گونه ازدواج می باشد و این سبک ها عبارتند از :

الف) ازدواج هایی که کشمکش در آن ها عادت شده است.^۱

ب) ازدواج های عاری از شور و شوق یا ازدواج های سرد و بیروح.^۲

ج) ازدواج هایی که در آن زوجین به گونه ای غیر فعال با هم به مراد می پردازند.^۳

د) ازدواج های سرشار از شور و شوق.^۴

ه) ازدواج های تمام عیار.^۵

ازدواج هایی که کشمکش در آنها عادت شده است. این گونه ازدواجها با نزاع و اختلاف نظر همیشگی مشخص می شود. در این قبیل زوج ها میل به دعوای لفظی و کشمکش قوی است. آنان همواره به تحریک احساسات یکدیگر می پردازند. این تحریک نیز موجب دعوا و کشمکش می شود. بعلاوه، کشمکش و اختلاف نظر، ضامن تداوم ازدواج می باشد.

ازدواج های عاری از شور و شوق یا ازدواج های سرد و بیروح. در مطالعه کوپر و هاروفس معلوم شده است که اینگونه ازدواج ها شایعترین نوع ازدواج پس از گذشت ۱۰ سال است. در اینگونه ازدواج، رابطه هایی که زمانی عاشقانه و صمیمی بودند، رنگ و بوی طلاق عاطفی به خود می گیرند و ازدواج عاری از عشق می شود و زوج ها نسبت به هم بی

1_ Conflict – Habituated Marriage

2 – Devitalized Marriage

3-Passive Congeneal Marriage

4 – Vital Marriae

5 – Total Marriage

تفاوت اند، با این وجود آنان می کوشند با هم باشند. چون بین زوجین گفتگوی زیادی صورت نمی گیرد، اختلاف نظر نیز اندک است. ممکن است عده زیادی احساس کنند که احمقانه فرض کردن چنین ازدواجهایی، امری عادی است و عده ای از زوجها نیز احساس می کنند که وجود رابطه بهتر از نبودن آن است. با این حال، عده ای از زن و شوهرها احساس می کنند که برای انجام برخی مسئولیت های شخصی و اجتماعی حفظ وضعیت تأهل ضروری است.

ازدواج هایی که در آن زوجین به گونه ای غیر فعال با هم به مرادده می پردازند. در اینگونه ازدواج ها، زوجین به طرز غیر فعالانه ای با هم مرادده دارند. ممکن است که چنین ازدواجهایی از همان آغاز احمقانه بنظر برسند. در اینگونه ازدواج ها هیچ گونه احساس رابطه رضایت بخش و مهیجی وجود ندارد. زیرا هیچگونه تعلق به دیگری وجود نداشته است. اینگونه ازدواج به «ازدواج مصلحتی» نیز موسوم است. در این نوع ازدواج شور زندگی وجود ندارد.

ازدواج های سرشار از شور و شوق. در اینگونه ازدواج رابطه عاشقانه و گرم و صمیمی به بهترین وجهی وجود دارد. زن و شوهر به یکدیگر علاقمندند و نسبت به یکدیگر و ازدواج پای بند و مقید می باشند. استقلال رای و رشد شخصی طرفین تشویق می شود و در صورت وجود اختلاف نظرها، معمولاً شدت آن بسیار کم است. نسبت به اهداف زندگی اشتراک نظر دارند و مشتاقانه برای حفظ مشارکت تن به کار و فعالیت می دهند.

ازدواج های تمام عیار. اینگونه ازدواج ها به مراتب جذاب تر و گیراتر از ازدواجهای پرشور است. زوجین به چیزی غیر از شریک زندگیشان نمی اندیشند و با هم برای آینده بهتر تلاش می کنند و از انسجام بیشتری برخوردارند. با این حال ازدواج به هر گونه ای که باشد از دو سبک عمده پیروی می کند. (۱) ازدواج با سبک سنتی (۲) ازدواج با سبک غیر سنتی، هر یک از این سبک ها دارای ویژگی های خاصی است که نوع روابط زوجین را شکل می دهند. در جدول ۲، ماهیت روابط زوجین در ازدواجهای سنتی و غیر سنتی مقایسه و نشان داده شده است.

جدول ۲ - مقایسه انواع روابط در ازدواج های سنتی و غیر سنتی

ازدواج سنتی	ازدواج غیر سنتی
شوهر نان آور / زن خانه دار	هر دو نان آور
نقش های جنسی سنتی به تبع الگوهای مردانگی / زنانگی ثابت است.	نقش های جنسی براساس انتخاب و تجربه انعطاف پذیر است.
حق تقدم در تصمیم گیری با شوهر است.	تصمیمات بطور مشترک اخذ می گردد.
شوهر آغازگر رابطه جنسی است	زوجین هر دو متقابلاً رابطه جنسی را برقرار می کنند
شوهر نقش اجرایی دارد و زن نقش عاطفی	زوجین هر دو در احساسات سهیم هستند

سبک های ازدواج بر حسب ساخت خانواده

ساخت خانواده نیز تا حدود بسیار زیادی مبین سبک ازدواج است. براساس ساخت خانواده ها می توان سبک های ازدواج را به سبک مشارکتی^۱ سبک غیر مشارکتی یا مستقلانه^۲، سبک مداخله ای^۳ و سبک مشورتی^۴ تقسیم کرد که عبارتند از:

- 1- cooperative Marriage Style
- 2 - Independence or un different Marriage Style
- 3 - Passive Marriage style
- 4 - Consu it ative Marriage style

الف - سبک مشارکتی. این سبک ازدواج را می‌توان منسوب به خانواده‌هایی دانست که ساخت خانوادگی در آنها «بهنجار» است. در چنین ساخت بهنجاری «روابط اعضای مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل است. قواعد و هنجارهای حاکم بر خانواده توسط اعضای پذیرفته شده است. در این خانواده‌ها، ازدواج حلقه اتصال ارزشهای اعضای دو خانواده از طریق وصلت و به اشتراک گذاشتن یک عضو از هر خانواده است. در این خانواده‌ها بین خواست جمعی و اراده فردی اعضای تعادل برقرار است. مرز میان اعضای مشخص و انعطاف پذیر است. اعضای با یکدیگر ارتباط دارند بی آنکه در یکدیگر ذوب شوند. در خانواده‌های دارای ساخت بهنجار، معمولاً خانواده (به ویژه والدین) مرجع اقتدار می‌باشند و سلسله مراتب خانوادگی مراعات می‌شود. خانواده به صورت یک سازمان واحد عمل می‌کند. در چنین خانواده‌هایی، خانواده (معمولاً والدین) فرد مطلوب نظر خود را بعنوان همسر آینده فرزند(ان)شان به وی معرفی می‌کنند اما او در انتخاب وی بعنوان همسر آینده اش صاحب اختیار است. شکل دیگر آن موقعی است که فرزند(ان) همسر مطلوب نظر خود را به خانواده معرفی می‌کند و تصمیم نهایی را بر عهده والدین (و خانواده) می‌گذارد. و تصمیم نهایی خانواده مورد احترام اوست.

ب - سبک غیر مشارکتی. ازدواج با چنین سبکی معمولاً در خانواده‌هایی دیده می‌شود که ساخت خانواده گسسته^۵ است. مقررات خانوادگی غیر قابل تغییر و مرز بین اعضای بسیار خشک و نفوذ ناپذیر است. میزان تبادل اطلاعات بسیار کم است و اعضای نسبت به یکدیگر به نوعی در بی خبری بسر می‌برند. روابط در حد سطحی است. و تقریباً هیچ عضوی همدم دیگری نیست. هیچ عضوی در دیگری ریشه ندارد و همه در کنار هم زندگی می‌کنند بدون اینکه با هم باشند. بنابراین نسبت به سرنوشت یکدیگر بی تفاوت هستند. ارزشهای فردی بر ارزشهای جمعی خانواده اولویت دارد. و اعضای هر پیشنهادی را «مداخله» تلقی می‌کنند و در صدد هستند با صف آرای و جبهه گیری در مقابل، یا بی تفاوتی نسبت به، اظهار نظر سایر اعضای خانواده از مداخله‌های مفروض جلوگیری کنند. در چنین خانواده‌هایی اعضای مشارکت در ازدواج را تهدیدی برای «حس استقلال و تمایز یافتگی» تلقی می‌کنند و ازدواج به نوعی رهایی از اسارت خانواده اصلی است. از آنجا که ازدواج فرزندان بدون در نظر گرفتن رأی اعضای خانواده (به ویژه والدین) صورت می‌گیرد، لذا زوج جوان ممکن است حمایت‌های عاطفی و اجتماعی اعضای خانواده را از دست بدهند و استرس زناشویی در ازدواج آنها تشدید شود. قطعی است که چنین سبک ازدواج در صورتی که از مهارت‌های روابط انسانی کافی برخوردار نباشد، بسیار شکننده است.

در چنین خانواده‌ای به رغم اینکه تعاملات کاملاً محدود و اصلاحات در چارچوب صورت می‌گیرد اما تعارضات زیربنایی را می‌توان یافت که چنانچه در قالب تعاملات و روابط اعضای تشدید نشود، می‌توان آن را کنترل کرد.

ج - سبک مداخله‌ای یا انفعالی. خانواده‌هایی که دارای ساخت بهم تنیده هستند. این سبک ازدواج بیشتر در آنها دیده می‌شود. در این خانواده‌ها معمولاً اعضای بجای یکدیگر تصمیم می‌گیرند، فکر می‌کنند، و اقدام می‌کنند. روابط بین آنها قاطبی است و بیش از اندازه در امور یکدیگر دخالت می‌کنند. ساخت سلسله مراتبی خانواده نامشخص است. مرز بین اعضای شل و به راحتی قابل عبور است. تعویض جایگاه قدرت در سطح سلسله مراتب بچشم می‌خورد و معمولاً فرزند(ان) در نقش والدین ظاهر می‌شوند و در بسیاری مواقع، والدین قدرت اجرایی برای اخذ تصمیمات مهم مانند ازدواج را ندارند به تعبیری تصمیمات مهم توسط مرجع اقتدار مشخصی اتخاذ نمی‌شود. منافع جمعی بر منافع شخصی مقدم است. اعضای خانواده برای همدیگر زندگی می‌کنند. در این خانواده‌ها ازدواج نیز به تعبیری تلاشی دیگر برای رفع نیازهای خانواده است تا خواستهای شخصی. و فرد با ازدواج خود فقط عضو جدیدی را به جمع خانواده اضافه می‌کند

بدون اینکه خانواده در صدد پذیرفتن تغییرات حاصل از ازدواج باشد. قوانین حاکم بر خانواده عضو جدید را هم در بر می گیرد و او قدرت و اختیار چندانی در وضع مقررات و تعیین اهداف زندگی زناشویی ندارد. همه چیز تحت شعاع تصمیمات خانواده اصلی است. تاکید بر محوریت جمع تا محوریت فردی موجب بروز تنش پنهان می شود. اما اجازه بروز به آن داده نمی شود. چون خواسته های جمع همان خواست فردی تلقی می شود لذا ازدواج فرزندان به شکلی جنبه تحمیلی پیدا می کند. ازدواج فرزند(ان) در چنین ساختی از آنجا که با استقلال رأی و مسئولیت پذیری شخص همراه نیست می تواند بالقوه آسیب پذیر باشد.

د) سبک مشورتی. این سبک ازدواج معمولاً موقعی اتفاق می افتد که نامزدهای ازدواج یا در اتخاذ تصمیم به ازدواج تردید دارند یا ممکن است بخواهند برای پربار سازی و پایه ریزی یک ازدواج موفق استراتژی های بهتری را انتخاب کنند که لزوماً منابع کافی برای اتخاذ تصمیم به ازدواج یا پایه ریزی یک ازدواج موفق را در خانواده سراغ ندارند.

توصیه هایی برای پایه ریزی یک ازدواج موفق

همان طور که اشاره شد ترشح پیتید فنوتیلامین (PEA) موجب میل شدید دختر و پسر به یکدیگر می شود. بنابراین باید واقف بود که میزان هیجان شخصی نسبت به فرد مورد علاقه نباید موجب تعجیل در ازدواج شود بلکه بهتر است دختر و پسر فرصت کافی برای شناسایی یکدیگر داشته باشند تا از مشکلات بعدی جلوگیری به عمل آید.

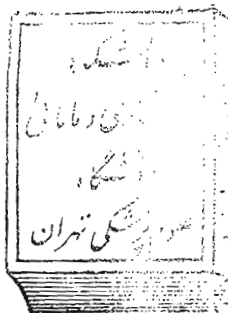
آشنایی با ساخت های خانوادگی، نقش بسزایی در شناخت خانواده ها از پویایی های همسرایی و همسرگزینی دارد. اما باید یادآوری نمود که وجود ساخت خانوادگی کاملاً گسسته یا کاملاً بهم تنیده لزوماً به معنای آن نیست که اگر ازدواجی در این قبیل خانواده ها اتفاق افتد، پاتولوژیک خواهد بود. آموزش مهارت های ارتباط زناشویی برای همسران جوان نقش موثری در تصحیح ساخت روابط حاکم بر زندگی زوجین دارد.

مشاوره قبل از ازدواج در حیطه های ملاک های مناسب انتخاب همسر، کشف توانمندیهای شخصی، شناخت ویژگی های همسر قبل از انتخاب، و .. بسیار سودمند است. مشاوره های زناشویی نقش بسزایی در کاهش اختلافات و تعارضات زناشویی و تعدیل استرس تشدید شده دارند.

منابع:

- ۱- فرهادی. ع (۱۳۷۶) «بررسی میزان افسردگی و وضعیت عملکرد تحصیلی دانشجویان متأهل و مجرد دانشگاه ع.پ لرستان» همان منبع، صص ۱۸-۲۳.
- ۲- بخشی پور، ح، صادقی، (۱۳۷۶) «بررسی نظرات دانشجویان مجرد در مورد معیارهای انتخاب همسر در دانشگاه ع.پ رفسنجان» همان منبع، صص ۲۴-۲۹.
- ۳- نوایی نژاد (۱۳۷۶) «ملاک ها و عوامل موثر در ازدواج موفق جوانان» ویژه نامه همایش کشوری نقش ازدواج در بهداشت روانی دانشجویان، طب و تزکیه، صص ۱-۵.
- ۴- ثنائی، باقر (۱۳۷۸) «ازدواج: انگیزه ها، پرتگاهها و سلامت آن» پژوهشهای تربیتی فصلنامه علمی پژوهشی، موسسه تحقیقات تربیتی، ج ۴، شماره ۳ و ۴، پائیز و زمستان ۱۳۷۵.
- ۵- حسینی، ابوالقاسم (۱۳۷۱) «اصول بهداشت روانی» ج اول، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

- 6-Lipprotte, (1998) "Getting Married: The transition in Marriage".
- 7-Cooper Miles L. (2000) "the five stage of Movriage" Brides Etc.



Abstract

Marriage: It's stages & Features

Authors: Mahdavi, E¹.Ph.D; Bahari, F²; Paykarstan, A³

Marriage, the most important anecdote. Can influence nearly all dimensions of human life for about a half of Century. The article does discuss marriage in two parts . the first is considered stages of marriage and its features.

In this parts. Stages of marriage have been discussed in three stage: Pre – marriage , withing mate – sorting , and posterior to marriage. then, it would be described features of each stage . also, some possible pathologies affecting each stage would be recited.

In second part, the styles of marriage based on affective themes & family structures are explained .

Finally, The article ends up with some recommendations on a healthy marriage.

Keyword: *Marriage- Stages of marriage- Family structure- and styles of marriage.*

1- Professor of Counseling in Faculty of Psychology of shahid Beheshti University.
2- Ph.D. student in Counseling.
3- M.A in Counseling.